

ابعاد تربیتی سوره غافر با تکیه بر تفسیر المیزان به روش داده‌بنیاد*

محسن خوش فر (نویسنده مسؤول)^۱

زینب بهادرانی^۲

طاهره زارعان^۳

چکیده

در این پژوهش تلاش شده الگوهای تربیتی سوره غافر در آموزه‌های ارائه‌شده در تفسیر المیزان کشف شود. از این رو از روش پژوهشی داده‌بنیاد استفاده شده و در نهایت، ۴۵۸ مفهوم، ۶ مؤلفه و ۴۶ مقوله جزئی تربیتی استخراج شده است.

این مقاله سوره غافر را با رویکرد تربیتی بررسی می‌نماید؛ زیرا فلسفه بعثت پیامبران و اساسی‌ترین وظیفه اولیای الهی و متولیان و مربیان جامعه اسلامی، تربیت اسلامی است که یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین معارف اسلامی را نیز تشکیل داده است. برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیتی شناسایی شده سوره غافر در تفسیر المیزان عبارت‌اند از: مربی (الله، رسول، ...)، متربی (امت نبی اکرم، برخی مؤمنان، موسی و ...)، زمینه (مقدمه آوردن، رعایت آداب و ...)، موانع تربیتی (فساد، گناه و ...)، اهداف (ورود به جهنم و بهشت و ...)، نتایج (آگاه‌سازی متربی، پیروی از مربی و ...)، فایده تربیت (دلگرمی مربی و زیاد شدن عطف و عطوفت متربی)، مبانی (رعایت مساوات، عمل و عکس‌العمل و ...)، قاعده (دنیا دار فانی و آخرت دار باقی و ...)، روش (تذکر و عاقبت‌اندیشی و ...) و ابزار تربیتی (استشهاد آوردن، استفاده از قواعد ادبی و ...) و این ابعاد تربیتی شناسایی شده و شش الگو و مدل تحقیق را تشکیل داده است.

کلیدواژه‌ها:

تربیت / سوره غافر / تفسیر المیزان / الگوی تربیتی / داده‌بنیاد

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۸، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۸/۱۹.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2020.58963.3046

1- mohsenkhoshfar@yahoo.com

۱- استادیار جامعه المصطفی العالمیه

۲- طلبه سطح ۴ مؤسسه آموزش عالی فاطمة الزهراء خوراسگان اصفهان zanzab.1397@gmail.com

۳- طلبه سطح ۴ مؤسسه آموزش عالی فاطمة الزهراء خوراسگان اصفهان zanzab.1397@gmail.com



۱. تبیین مسأله

تربیت انسان‌ها امری تدریجی است و لحظه‌ای نیست که یک‌باره صورت پذیرد. (داوودی، حسین‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۸) یکی از آموزه‌های تربیتی، بررسی اصول تأثیرگذاری است. این بررسی ضمن به‌کارگیری روش‌های تربیتی در هر یک از عناصر سه‌گانه تربیت، یعنی محتوا، مربی و متربی، مورد توجه قرار می‌گیرد تا دستیابی به آثار تربیتی به سهولت میسر گردد.

قرآن کتابی تربیتی است که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم، در عرصه‌ها و موقعیت‌های متفاوت، وابسته به اقتضای شرایط، به مسأله تربیت پرداخته است. (باقری، ۱۳۸۴: ۸۵) تفسیر المیزان یکی از مهم‌ترین تفسیرهای قرن اخیر می‌باشد که با توجه به قدرت فکری و وسعت بینش نویسنده آن (علامه طباطبایی)، قابلیت بررسی و پژوهش عمیق در تفکرات نویسنده را دارد. در این مقاله سوره مبارکه غافر محور تحقیق قرار گرفته و مبنا، اصول و روش‌های تربیتی آن، از تفسیر المیزان استخراج شده است و در نهایت با ارائه نمودارها، به ترسیم یک الگوی تربیتی پرداخته است.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه تربیت تلاش‌های فراوانی در قالب مقاله و کتاب انجام شده است. برخی از آنها برگرفته از متون دینی (آیات، روایات و سیره تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام) است؛ مانند کتاب‌های «تربیت از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام و قرآن کریم»؛ سید ابوالقاسم مهری‌نژاد و پریسا اصغری نژاد بلوچی، «تربیت دینی فرزندان، نعمت الله یوسفیان»؛ «نقش مادران در تربیت دینی فرزندان»؛ محمد احسانی، «سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام و تربیت دینی»؛ محمد داوودی و سید علی حسین‌زاده، و «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»؛ خسرو باقری.

برخی از مقالاتی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند، عبارت‌اند از: «رابطه تربیت، دین و اخلاق و جایگاه آن در متون اسلامی»؛ سمیه طاطیان، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»؛ سوسن کشاورز، «اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام»؛ غلامحسین میکائیلو، و «تربیت انسان کامل با بهره‌گیری از معارف الهی»؛ خلیل سلطان‌القزائی.

برخی دیگر از مقالات با تکیه بر سوره یا تفسیری خاص نوشته شده‌اند؛ مانند «اصول و روش‌های تربیت اسلامی با تأکید بر سوره کهف»؛ آریان پورکریمی هاوشکی و مجتبی

نادر بیگدیلو، و «اصول حاکم بر فرایند تربیت از منظر تفسیر من وحی القرآن و التحریر والتنویر» که به بررسی اصول و روش‌های تربیت پرداخته است. با وجود مقالات و کتب فراوان تربیتی و به‌ویژه آثاری که در زمینه تربیت دینی و یا حتی با رویکردی قرآنی و تفسیری نگاشته شده‌اند، کمتر تحقیقی با روش ارائه الگو و مدل تربیتی قرآنی انجام شده است. از همین رو در مقاله حاضر سعی بر آن است با تکیه بر تفسیر المیزان، عناوین تربیتی از آیات سوره غافر استخراج و در نهایت، الگوی تربیتی ارائه شود.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به‌صورت مشخص از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده کرده تا الگوی تربیتی سوره غافر را طراحی کند. در این راستا با رجوع به ریزترین نکات تفسیر المیزان در بررسی شماره به شماره آیات سوره غافر، به تجزیه و تحلیل نکات تربیتی این سوره پرداخته است که در گراند تئوری از دو نوع کدگذاری به شرح زیر تشکیل شده است:

الف) کدگذاری باز: برچسب‌های مفهومی که موارد مشاهده‌شده در جملات و بندها را به اجزایی کوچک‌تر تقسیم می‌کند.

ب) کدگذاری انتخابی: پس از کدگذاری باز، با برقراری پیوند میان مفاهیم، با شیوه‌های جدیدی اطلاعات با یکدیگر ربط می‌یابد و با شناسایی مقوله اصلی که سایر مقولات بر محور آن گرد می‌آید، کلیتی را تشکیل می‌دهد. (دانایی‌فر و مؤمنی، ۱۳۸۷)

این روش مضمون و محتوا را با توصیف کمی محتوای بارز آن متن تحلیل می‌کند، آن‌گاه با رویکرد توصیفی و تحلیلی بر آیات، به ارائه الگو می‌پردازد. همچنین این روش، ذهن را برای جست‌وجوی هدفمند از منابع جهت می‌دهد تا در متن موشکافی کرده و هر یافته جالب یا تکراری را جمع‌آوری نکند و مضامینی را که همپوشانی دارند، تمایز دهد.

هدف این نوع تحلیل، همانند سایر تکنیک‌های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است. (کرپیند ورف، ۱۳۷۸: ۲۵) و در نهایت، ابعادهای تربیتی اعم از مبانی، اصول، قاعده، روش، ابزار، هدف، نتیجه و فایده تربیتی، موانع تربیتی، ویژگی‌ها و مصداق‌های مربی و متربی طبقه‌بندی شده و در قالب مدل و الگو ارائه می‌گردد.



۴. مراحل اجرایی تحقیق (فرایند تحقیق)

در جدول شماره ۱، داده‌های اولیه از مؤلفه‌های تربیتی سوره غافر به‌عنوان مفاهیم جزئی بیان شده و در ادامه با جدول‌های دیگر، مؤلفه‌های کلی‌تر در قالب شش الگو ارائه می‌گردد.

۵. تفسیر موضوعی آیات تربیتی

این پژوهش همه آیات سوره غافر، از ابتدا تا پایان سوره را به‌صورت موضوعی و با نظر به مؤلفه‌های تربیت مورد بررسی قرار داده است. به دلیل رویکرد و روش تفسیری علامه که جامع‌ترین و عمیق‌ترین است و محقق را از افتادن در وادی تفسیر به‌رأی دور می‌کند، تفسیر المیزان به‌عنوان منبع محوری در مقاله انتخاب شده است.

۶. واژه‌شناسی

در جهت ارائه تصویر ذهنی صحیح از موضوع مورد بحث، مفاهیم کلیدی مفهوم‌شناسی می‌گردد.

۱-۶. تربیت

این واژه مصدری عربی است؛ از ریشه «ربا، ربوا»، به‌معنای چیزی رشد کرد و افزوده شد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۹۹/۱) و یا از ریشه «ربب، یرب»، به‌معنای تربیت و پرورش. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۰/۴) جوهری بیان می‌دارد که: «رَبَّ فُلَانٍ وَلَدَهُ رِبُّهُ رَبًّا، وَرَبِّهُ، وَتَرَبَّهٖ، بِمَعْنَى أَيْ رَبَّاهُ. وَالْمَرْبُوبُ: الْمَرْبِيُّ.» همان‌گونه که مشاهده می‌شود، جوهری ریشه «ربب» را به‌معنای تربیت دانسته و «مربوب» را مترادف «تربیت‌شده» بیان می‌دارد. راغب ذیل معنای «رب»، آن را در اصل به‌معنای تربیت، و تربیت را به‌معنای ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی می‌داند تا به حدّ نهایی و تمام و کمال آن برسد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶) لغت‌شناسان فارسی‌زبان آن را پروراندن، پروردن و آموختن (دهخدا، ۱۳۷۷؛ معین، ۱۳۴۱؛ عمید، ۱۳۸۹: ذیل تربیت)، پرورش دادن و ادب و اخلاق را به کسی آموختن (معین، ۱۳۴۱؛ عمید، ۱۳۸۹: ذیل تربیت) معنا کرده‌اند. در اصطلاح نیز عبارت است از برانگیختن و فراهم‌آوردن موجبات رشد و پرورش و شکوفایی تمام استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان، به‌منظور رسیدن به کمال و سعادت مطلوب. (بهشتی، ۱۳۸۷: ۳۵) این معنا با معنای لغوی نیز سازگاری دارد.

نکته لازم به ذکر اینکه وقتی تربیت در قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد، بر اساس اهداف و مبانی قرآنی نیز تعریف می‌گردد. توضیح مطلب اینکه مثلاً اگر در معنای مطلق تربیت، تعریفی که از آن صورت می‌گیرد، شامل تربیت غیرشرعی و خلاف اصول اخلاق دینی هم می‌گردد، اما وقتی در منظومه تصویری دینی همین تربیت تعریف شود، مقصود از آن، شکوفا کردن تمام استعدادها و توانایی‌ها در جهت کمال مورد نظر دین می‌باشد. و تربیتی که در نظام تربیتی غیر اسلامی به‌عنوان تربیت تعریف می‌گردد، در نظام تربیتی اسلام، ضلالت محسوب می‌شود. بنابراین مشخص می‌شود که در تعریف اصطلاحی تربیت که در بالا از قول بهشتی نقل شد، مقصود از کمال و سعادت مطلوب، همان کمال و سعادت مطلوبی است که قرآن آن را مشخص می‌نماید.

۶-۲. شخیصه

«شخص» ریشه‌ای تک‌معنایی است که بر ارتفاع در چیزی دلالت دارد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۵۴/۳) و شخص و شخیص از همین ریشه است. شخص به سیاهی انسانی ایستاده که از دور دیده می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۶۵/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۴۷) و به مرد تناور شخیص و به زن تناور شخیصه گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۵/۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۶۵/۴؛ صعیدی، ۱۴۱۰: ۱۱۴/۱؛ جوهری، ۱۳۶۸: ۱۰۴۲/۳) همچنین به مردی خوش‌اندام و زیبا (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱۳۰۰/۳)، که سید و بزرگوار باشد نیز شخیص گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۵/۷) و در اصطلاح این کتاب (المیزان)، منظور دو شخصیت اصلی و ویژه این پژوهش، یعنی مرتبی و مرتبی می‌باشند که به دلیل برجسته و خاص بودن آن، این عنوان برایشان انتخاب شده است.

۶-۲-۱. مرتبی

در اصطلاح این نوشتار، معنایی مطابق با معنای لغوی آن، یعنی کسی که وظیفه تربیت کردن، پرورش دادن و به کمال رساندن را به عهده دارد، اراده شده است. علامه طباطبایی در سوره غافر، به مصادیق بشری و فرابشری مرتبی اشاره می‌فرماید که مرتبی بودن الله نمونه‌ای از مرتبی فرابشری است که به آن اشاره شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۳/۱۷)

۶-۲-۱. مرتبی

اسم فاعل از «تربّی - تربّیاً [ربو] الولد»، به معنای آن جوان را تربیت کرد، - الولد: آن جوان تربیت و بافرهنگ شد. (صعیدی، ۱۴۱۰: ۲۱۴/۱) اما در این مقاله اصطلاحاً به



کسی گفته می‌شود که قرار است با برنامه‌ها و آموزه‌های مربی پرورنده شود و به کمال مطلوب مربی برسد. از این رو با معنای لغوی که علامه دهخدا ارائه کرده است، مغایرت دارد، اما با معنای عربی آن سازگار است.

۳-۶. اصول

«أصُول» جمع «اصل» بوده و به معنای پایه و بن هر چیزی می‌باشد؛ «قَعَدَ فِي أَصْلِ الْجَبَلِ»: در پایین کوه نشست؛ آنچه که در برابر فرع یا شاخه است، در لغت به معنای بیخ، بنیاد و بن هر چیزی است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۴/۱۰۴) و در اصطلاح، قاعده عامه‌ای است که می‌توان آن را دستور عملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد. (باقری، ۱۳۷۸: ۶۸) اصول تربیتی در این پژوهش به دو قسم «مبانی» و «قاعده» تقسیم شده است.

۱-۳-۶. مبانی

این واژه از ریشه «بنی» مشتق شده، جمع مبناست و به معنای ریشه، بنیاد، اساس (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل مبانی) و نیز زیرساخت می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵/۵۰۶) انگلیسی زبانان واژه‌های «Base»، «Basis» و «Foundation» را در برخی کاربردها یکسان معنا کرده و آنها را مترادف مبنا به کار برده‌اند.

در موضوع تفسیر قرآن، مبانی به آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آنها، به تفسیر قرآن می‌پردازد. (شاکر، ۱۳۸۹: ۴۰) در یک تقسیم‌بندی کلی، این پیش‌فرض‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شود. دسته نخست پیش‌فرض‌های مفسر به دلیل جایگاه وی به عنوان فهم‌کننده متن است، و دسته دوم فرضیات وی به عنوان کسی که با متن مقدس سروکار دارد. (نजारزادگان، ۱۳۸۸: ۵) مقصود از مبانی در این تحقیق، پیش‌فرض‌های دسته دوم است؛ یعنی پیش‌فرض‌هایی که مفسر تربیتی در موضوع تربیت برای فهم گزاره‌های مطرح‌شده در قرآن در باب تربیت باید آنها را بپذیرد، ولی نه به‌خاطر اینکه پیش‌فرض ذهنی اوست قبل از ورود به تفسیر، بلکه چون پیش‌فرض اوست که توسط دیگر آیات و یا مضامین مطابقی آیات قرآن بیان شده و مفسر باید آنها را بپذیرد تا فهم گزاره‌های تربیتی قرآنی و یا نفس تربیت برای وی میسر گردد. و در نتیجه آن، این مبانی در خود تربیت نیز نسبت به دیگر گزاره‌های تربیت نقش مبنا را ایفا خواهد کرد.

در تقسیم‌بندی دیگر، این پیش‌فرض‌ها به دو نوع پیش‌فرض‌های تأثیرگذار و مؤثر و پیش‌فرض‌های نه‌چندان مؤثر و یا غیر مؤثر تقسیم می‌گردند. در این مقاله، نوع اول، یعنی پیش‌فرض‌های مؤثر می‌باشد است. بنابراین مبانی تربیت، پایه و اساس هر نظام تربیتی است.

۶-۳-۲. قاعده

قاعده با واژه‌های اساس، قانون و دستور مترادف است، و در اصطلاح بر اصل و قانون و ضابطه دلالت می‌کند و امری کلی است. (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۷۹) و به امر کلی که بر همه جزئیات دلالت کند نیز اطلاق می‌شود. (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۲۹/۳) و در اصطلاح این نوشتار، منظور از قاعده تربیتی، علاوه بر آنکه یک قاعده کلی است، اما نسبت به اصول جزئی‌تر است بوده و دارای رابطه عموم و خصوص مطلق می‌باشد که در نوع خاصی از تربیت ملاحظه می‌گردد.

۶-۴. آثار

آثار واژه‌ای است عربی از مصدر تأثیر و جمع، که مفرد آن به معنای نشان، علامت، جای پا، نشان قدم، آنچه از کسی یا چیزی است که باقی و بر جای بماند. (دهخدا، ۱۳۷۷؛ معین، ۱۳۴۱؛ عمید، بی‌تا: ذیل اثر) در مفردات راغب آن را حاصل شدن چیزی می‌دانند که دلالت بر وجود آن شیء می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲) در این نوشتار، هر چیزی که از تربیت مربی حاصل شود، اعم از اینکه مقصود مربی بوده است یا نه و این مقصود محقق شده باشد یا نه، در زمره آثار تربیت جای گرفته است.

۶-۴-۱. اهداف

هدف در لغت به معنای هر چیز بلند و برافراشته، مقصود و غایت، آنچه آدمی برای رسیدن به آن بکوشد (از قبیل مقام، مال و مکتب) به کار می‌رود. (معین، ۱۳۴۱: ذیل اهداف) در تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که سودمند تشخیص داده شده است. (حسینی، ۱۳۷۲: ۲۶) و در اصطلاح این پژوهش، مقصودی است که امر تربیت برای آن انجام شده و هنوز به فعلیت نرسیده است. یکی از اهداف تربیتی سوره غافر در کلام علامه، «دستیابی به حق» است. ایشان ذیل آیه ۳۷ این سوره به این موضوع اشاره نموده، می‌فرماید: «(سبیل رشاد) عبارت است از راهی که سلوک آن آدمی را به حق



می‌رساند، و به سعادت دست می‌یابد. و کلمه «هدایت» در اینجا به معنای نشان دادن راه است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۳۲/۱۷)

۶-۴-۲. نتیجه

نتیجه از «ن ت ج» مشتق شده، ریشه‌ای تک‌معنایی دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۶/۵) و مفرد نتایج است و به فرزند، (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۳۱/۲؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۵۹۱/۲) و هر آنچه که از مقدمه یا قضیه‌ای استخراج شده و نتیجه گرفته شود، گفته می‌شود. (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۷) در اصطلاح این پژوهش، مقصودی است که امر تربیت برای آن انجام می‌شود و محقق شده و به فعلیت رسیده است.

۶-۴-۳. فایده

فایده از «ف ی د» مشتق شده، به معنای آنچه که انسان از آن بهره‌مند شود؛ اعم از دارایی و دانش، سودی که در معاملات برای انسان به دست آید، بهره و سودی که وام‌دهنده از وام‌گیرنده دریافت کند. و در اصطلاح این پژوهش، اثری است که مقصودی نبوده است که امر تربیت برای آن انجام شود، ولی محقق شده و به فعلیت رسیده است. علامه طباطبایی ذیل آیه ۸ سوره غافر، تکرار «رَبَّنَا» را موجب زیاد شدن عطوفت می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۹/۱۷)

۶-۵. ابزار

ابزار با واژه‌های افزار، اوزار، ادات (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل ابزار)، آلت، وسیله و مایه (دهخدا، ۱۳۷۷؛ معین، ۱۳۴۱: ذیل ابزار) مترادف است و به هر چه به وسیله آن کاری انجام شود؛ واسطه برای دستیابی به هدف (معین، ۱۳۴۱، ذیل ابزار)؛ نوار باریک برجسته یا گود زینتی حاشیه چیزهایی از قبیل گچ‌بری، چوب و مانند آن؛ دستگاه یا وسیله‌ای که برای کارهای صنعتی به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۷؛ عمید، بی‌تا: ذیل ابزار)، ابزار گویند و در اصطلاح این مقاله، منظور هر چیزی است که از آن استفاده می‌شود تا تربیت، اثرگذاری بیشتری داشته باشد.

۶-۵-۱. روش

روش و شیوه، به معنای طریقه، اسلوب، راه و یا منوال است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل روش). و در اصطلاح علوم تربیتی، راه‌های عملیاتی و کاربردی است که با استفاده از آن، شخص می‌تواند تعلیمات و معارف حق و اخلاق پسندیده را در خود یا دیگری

پیاده کند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۰۲) استفاده از تشویق و ترغیب به منزله ابزاری برای رشد و رسیدن به رستگاری به‌عنوان روش تربیت نقش برجسته‌ای دارد که علامه ذیل آیه ۸ سوره غافر به آن اشاره می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۱/۱۷)

۶-۵-۲. وسیله

وسیله از ریشه «وسل» گرفته شده و از ریشه‌هایی است که دو معنای کاملاً متفاوت دارد. یکی از این معانی، سرقت، و دیگری رغبت و طلب می‌باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۱۰/۶) و به‌معنای هر چیزی است که به‌واسطه آن به غیر نزدیک می‌شوند. (جوهری، ۱۳۶۸: ۱۸۴۱/۵) پس هر گاه گفته می‌شود: «وَسَلَّتْ إِلَى رَبِّي وَسِيلَةً»، یعنی عملی را انجام دادم که به‌وسیله آن به خدای تعالی نزدیک گردم. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۹۸/۲) در اصطلاح این پژوهش، به هر چیزی که مربی را به هدف تربیتی نزدیک می‌کند و مربی از آن در این امر استفاده می‌کند، «وسیله تربیتی» اطلاق می‌گردد. به‌عنوان نمونه، استفاده از معجزه یکی از وسایلی است که خدای تعالی در امر تربیت از آن استفاده نموده است و استفاده از آن را تنها به اذن خود جایز و ممکن می‌داند که علامه ذیل آیه ۷۸ سوره غافر به آن اشاره کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۳/۱۷)

۶-۷. زمینه

زمینه به سطح و روی چیزی، و به‌طور مجازی به طرح، نقشه، موضوع، متن و چیزی که نقشه روی آن کشیده می‌شود، اطلاق می‌گردد. (دهخدا، ۱۳۷۷؛ معین، ۱۳۴۱؛ عمید، ۱۳۸۹: ذیل زمینه) در این نوشتار نیز به مقدمات و فراهم آوردن مقدمات برای یک امر تربیتی و تحقق اهداف تربیت، زمینه تربیت گفته شده است، که علامه با توجه به آیه ۳ سوره غافر، خوف و رجا نسبت به معاد را زمینه‌ساز اهداف تربیتی می‌داند؛ چراکه اعتقاد به روز حساب باعث می‌شود مردم در بین خوف و رجا قرار گیرند؛ خوف از عذاب، و امید به ثواب که هر دو انسان را به عبادت و محقق شدن هدف تربیتی وامی‌دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰۵/۱۷)

۶-۹. الگو

واژه الگو به معانی انگاره، شکل و نمونه، قالب، طرح، منوال و نقش در نظر گرفته شده است. (دهقان، ۱۳۸۳: ۶۵) در اصطلاح، الگو معمولاً به نمونه کوچکی از یک شیء



بزرگ یا به مجموعه محدودی از اشیای بی‌شمار گفته می‌شود که ویژگی‌های مهم و اصلی آن شیء بزرگ یا اشیاء را داشته باشد. (شعبانی، ۱۳۸۵: ۲۱۸)

۷. جمع‌آوری داده‌های متنی

یکی از مهم‌ترین مراحل مقدماتی این پژوهش آن است که داده‌های اولیه مؤلفه‌های تربیتی، با دقت فراوان در تفسیر میزان به‌دست آید. آن‌گاه در مرحله کدگذاری، به استحکام بیشتر مفاهیم و مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود. در این مرحله در یک دسته‌بندی کلی، داده‌های سازماندهی‌شده در قالب مؤلفه‌های گوناگون و در ابعاد محدودتری دسته‌بندی می‌شوند.

۷-۱. بررسی شاخصه‌های تربیت در سوره غافر به‌صورت کدگذاری باز

در این مرحله آیات با دقت مورد تأمل قرار گرفته و شاخصه‌های تربیتی، اعم از اصول، مبنا، روش، موانع و سایر موارد مذکور به آیات عرضه شده و با توجه به تفسیر و توضیح آیه، کدگذاری باز انجام می‌گیرد. این به‌معنای بررسی خط به خط داده‌ها و شناختن فرایندها در آن می‌باشد. (حسرتی، ۱۳۸۵) کدگذاری باز شامل تجزیه، آزمون، مقایسه، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی داده است. (کلاکی، ۱۳۸۸) در این مرحله پس از جمع‌آوری داده‌ها و استخراج نکات مربوط به شاخصه‌های تربیتی سوره غافر، داده‌ها کدگذاری می‌شود.

ذکر چند نکته در این مرحله لازم به‌نظر می‌رسد. اتخاذ عناوین جزئی تربیتی (کدهای مفهومی) از عین الفاظ میزان و یا از مفهوم مطلب صورت پذیرفته است. به‌عنوان مثال، از عبارت «إشارة إلى أمر الرسالة التي من شأنها الإنذار» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۸/۱۷)، عنوان «منذر» به‌عنوان ویژگی مربی انتخاب شده است که علامه به‌صراحت به آن اشاره کرده است. اما گاهی ممکن است یک کد و عنوان از مفهوم یا دلالت التزامی یک عبارت برداشت شود؛ مانند عبارت «ما الله يريد ظلماً للعباد» (همان، ۳۳۰) که از دلالت التزامی عدم ظلم و عدالت، ویژگی عدالت مربی استخراج شده است. در این مرحله فهم دقیق مفهوم آیه حائز اهمیت بوده است. در برخی موارد منظور آیه و مفسر صریح نبود، به همین جهت، مطالب پیچیده و دشوار مورد دقت مضاعف قرار گرفته تا با رفع ابهام از آن، عنوانی مناسب‌گزينش شود و محقق از خود چیزی به مطالب تحمیل نکند.

جدول ۱: نمونه‌هایی از شناسه‌ها، کدها و مفاهیم جزئی تربیتی سوره غافر در المیزان

صفحه	تفسیر المیزان، جلد ۱۷	توضیحات	شناسه
۳۱۸	إشارة إلى أمر الرسالة التي من شأنها الإنذار	امر رسالت	p154
۳۱۸	التي من شأنها الإنذار	شأن رسالت	p155
۳۳۰	ما الله يريد ظلما للعباد	عدالت	p232
۳۲۷	و من هنا يظهر أن الخطاب في قوله: «وَرَبِّكُمْ» لفرعون و من معه دون قومه من بنى إسرائيل	فرعون و همراهانش بدون قوم مخاطب تربیت	p210
۳۲۷	يشير به إلى فرعون و كل من يشاركه في صفتي التكبر و عدم الإيمان بيوم الحساب و لا يؤمن ممن اجتمعت فيه الصفتان شر أصلا	كبر و انكار معاد، و ویژگی فرعون و شرکایش	p211
۳۳۳	مفاد الآية إقامة الحججة على عدم كون ما يدعون إليه إلهها من طريق عدم الدعوة إليه	اقامه برهان بر رد مدعیان دروغین	p287
۳۴۷	و لذلك لم تعطف الجملة بثم حتى تتميز من الغائتين المذكورتين سابقا	استفاده از ادبیات عرب برای تشخیص متربی	p415
۳۳۲	أن هذه الحياة الدنيا متاع في الآخرة و مقدمة مقصودة لأجلها... لذلك بدأ به في بيان سبيل الرشاد ثم ذكر السيئة و العمل الصالح	تقدم حیات آخرت بر دنیا	p266
۳۰۵	فلا يسوان النبي/جدالهم و لا يغرنه ما يشاهده من حالهم	عدم فریب نبی اکرم ﷺ در جدال با کفار	p24

از بررسی سوره غافر در تفسیر المیزان و کدگذاری عناوین جزئی و مفاهیم آن، ۴۵۸ کد به دست می‌آید که با توجه به محدودیت‌های کمی در حجم مقاله، تنها به ذکر نمونه‌هایی از هر عنوان کلی (نه جزئی)، همراه با عنوان جزئی، بسنده شد و از ذکر همه کدها و شناسه‌های (p1-458) خودداری گردیده است.

۲-۷. کدگذاری انتخابی

پس از طی کردن مرحله پیشین، این مرحله از کدگذاری، به استحکام بیشتر مفاهیم و مؤلفه‌ها می‌پردازد. در این مرحله در یک دسته‌بندی کلی، داده‌های سازماندهی شده در قالب مؤلفه‌های گوناگون و در ابعاد محدودتری دسته‌بندی می‌شوند. (آلوانی، دانایی‌فر، عادل‌آذر، ۱۳۸۶: ۱۴) مهم‌ترین بعد در تربیت، وجود مربی است که در فرایند تربیت، یک واقعیت انکارناپذیر است. میزان نقش و سهم هر یک از مربی و متربی در تربیت متفاوت است. با دسته‌بندی کردن مؤلفه‌های تربیتی مربی و متربی از دو مؤلفه، مصادیق و ویژگی‌ها قابل تقسیم است.



یکی دیگر از ابعاد تربیت مبانی می‌باشد. از ویژگی‌های مبانی این است که بر تمام ارکان تربیت سیطره داشته و در تعیین اصول و روش‌ها، ایفای نقش می‌کند. ابعاد دیگر تربیت، مانند روش‌ها و شیوه‌های تربیت که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بحث می‌کند، زمینه‌ها و موانع تربیت و ...، که در جداول به بخشی از آن به عنوان نمونه پرداخته می‌شود. عبارت‌های منزه بودن از هر نقصی، حکیم و انحصار مالکیت داشتن به عنوان شرایط مربی لحاظ می‌شود. دین، کتب وحی و قرآن در مؤلفه کلی ابزار تربیت، و همچنین مؤلفه‌های دیگری که عبارت‌اند از: مربی، متربی، مبانی تربیت، شیوه‌های تربیت، محتوای تربیت و ...، که در جداول زیر به بخشی از آن، به عنوان نمونه پرداخته می‌شود.

جدول ۲: نمونه‌هایی از کدگذاری انتخابی و مصادیق و ویژگی‌های مربی

مصادیق	ویژگی
216, 229, 50, 143, 95, 1, 51, 385, 35, 406, p154, p255, p26	فرا بشری: الله، بشری: رسول، مؤمن آل فرعون نبی اکرم ﷺ
p147, p181, p364, p51, p373, p276, p164, p12, p160, p184, p54, p3, p50, p51, p18, p385, p355	ذاتی: ثبوتیه (الوهیت، وحدانیت، علیم، حی، قادر) - سلویه (منزه)
p355, p391, p365, p440, p398, p382, p147, p153, p51, p59, p364, p371, p373, p147, p207, p383, p382, p214, p12, p383, p382, p380, p71, p51, p54, p8, p9	مشترک نسبت به همه موجودات (اعم از متربی - غیر متربی)، خالقیت (عالم، انسان، لیل، انعام)، محبی و ممیت، منشأ خیر، رزاقیت، مالکیت، ربوبیت، معبود، مدبر، حکیم، حمید، رحیم، منعم، مسخر
p155p303p352p209, p232p150p182, p153, p181, p86p80, p5, p8p83, p5, p6p71, p3 p285, p3, p172 p26 p82, p342 p87 p8	مختص به متربی: منذر، ناصح، سمیع الدعاء، حاکم، عدالت، امیر، قضاوت، غفور، قابل التوب، عزیز، قهاریت، غالب مطلق، سریع الحساب، داعی حق، منجز الوعد، غضب، منتقم، شدید العقاب

مصادیق مربی در این سوره به دو قسم فرا بشری و بشری تقسیم می‌شوند. تنها مربی فرا بشری در این سوره «الله» می‌باشد. مصادیق بشری مربی عبارت‌اند از: رسول، مؤمن آل فرعون و نبی اکرم ﷺ که در اینجا رسول به صورت مطلق است و شامل تمام انبیا علیهم السلام می‌گردد.

لازم به ذکر است ویژگی‌های مربی در این سوره در واقع ویژگی‌ها و صفات «الله» است که در اندیشه اسلامی آن را به صفات ذاتی و فعلی تقسیم نموده‌اند. صفات ذاتی خدای تعالی در این سوره عبارت‌اند از: الوهیت، وحدانیت، علیم، حی و قادر بودن، و

صفت سلبیه منزّه، و صفات فعلی خداوند وابسته به اینکه نسبت به همه موجودات سنجیده شود یا به‌طور خاص نسبت به مرتبی سنجیده شود، عبارت‌اند از: خالقیت عالم، انسان، لیل و انعام، محیی و ممیت، منشأ خیر، رزاقیت، مالکیت، ربوبیت، معبود، مدبر، حکیم، حمید، رحیم، منعم و مسخر بودن. این ویژگی‌ها، خصیصه‌هایی هستند که خدای تعالی نسبت به همه موجودات، اعم از انسان و غیر انسان و به عبارت بهتر، مرتبی و غیر مرتبی واجد آن می‌باشد. اما ویژگی‌های گروه دوم خصلت‌هایی هستند که در امر تربیت تأثیر دارند و با توجه به تأثیر آن بر مرتبی، به آن اشاره شده است. این صفات خدای تعالی عبارت‌اند از: منذر، ناصح، سمیع الدعاء، حاکم، عدالت، امیر، قضاوت، غفور، قابل التوب، عزیز، قهاریت، غالب مطلق، سریع الحساب، داعی حق، منجز الوعد، غضب، منتقم و شدید العقاب بودن که در این پژوهش به آن اشاره شده است.

جدول ۳: نمونه‌هایی از کدگذاری انتخابی و مصادیق و ویژگی‌های مرتبی

p317, p210, p230, p52, 27, p29, 45, 114, p186, 434	مخالف مرتبی: اقویا و ضعفا، برخی از امت رسول، فرعون و همراهانش، اقوام برخی انبیا، کافران، مشرکان	مصادیق
p358, p370, p406, p216, p63, p229	موافق مرتبی: اولوا البصیرت، رسول، عباد، عموم مؤمنان، موسی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	
p337, p66, p126, p276, p120, p249, p354, p2, p93, p29, p117, p68, p178, p36, p309	پنداری: موافق مرتبی: اولوا الالباب بودن، کمال ایمان مقابل مرتبی: باور به موانع تربیتی، شرک، باور به نشانه‌های شرک، جهل، جهل مرکب، تردید، رسوخ کفر در قلوب، شدت کفر، استضعاف در ایمان، نفاق، سوء نیت به مرتبی	ویژگی‌ها
p394, p355, p379, p305, p285, p65, p66, p212, p337, p201, p68, p392, p221, p3, p32, p211, p91, p21, p296, p354, p99, p93, p2, p329, p145, p405, p118, p126, p178, p90,	کرداری: موافق مرتبی: جسمی؛ حی و مخلوق، روحی؛ مرزوق، مسلم، تائب، کمال، عمل، تقیه، متذکر، متوکل، مفوض، مخالفت با مستکبر مخالف مرتبی: مستضعف در عمل، حقارت، استعلاء، استکبار، توسل به غیر مرتبی، اهل عقاب، اصحاب النار، اهل کید، جاحد (معاد، آیات، عذاب، حجت، حق،	ویژگی‌ها



p119, p276, p297, p354, p296, p102, p177, p121, p214	کتاب، ادیان، کفر، معاندت با توحید، مُصِرّ به شرک، متجاوز، مسرف، عاصی، عجز نسبت به مربی، عدم احترام به مربی، قاتل مربی، عدم رعایت حق مربی		
p144, p106, p32, p2, p354, p276, p146, p27, p146, p416	گفتاری: موافق مربی: منیب مقابل مربی: اعتراف به گناه، اهل جدال، کاذب		

مصادیق متربی با توجه به موافق یا مخالف بودن با مربی، به دو قسم تقسیم می‌شود که مخالفان مربی عبارت‌اند از: اقویا و ضعفا، برخی از امت رسول، فرعون و همراهانش، اقوام برخی انبیا، کافران و مشرکان، و موافقان مربی عبارت‌اند از: اولوا البصیرت، رسول، عباد، عموم مؤمنان، موسی علیه السلام.

ویژگی‌های متربی در سه بعد پنداری، گفتاری و کرداری تقسیم می‌شود که در بعد پنداری، با توجه به همراه بودن یا نبودن با مربی، به دو قسم تقسیم می‌شود. از جمله ویژگی‌های موافقان مربی، اولوالالباب بودن و کمال ایمان داشتن است. و ویژگی‌های مقابلان مربی عبارت‌اند از: باور به موانع تربیتی داشتن، شرک، باور به نشانه‌های شرک، جهل، جهل مرکب، تردید، رسوخ کفر در قلوب، شدت کفر، استضعاف در ایمان، نفاق، سوء نیت به مربی داشتن. و ویژگی‌های کرداری که موافق مربی هستند، در بعد جسمی عبارت‌اند از: حی، مخلوق، مرزوق، و در بعد روحی عبارت‌اند از: مسلم، تائب، کمال عمل، تقیه، متذکر، متوکل، مفوض، مخالفت با مستکبر، مخالف مربی، مستضعف در عمل، حقارت، استعلاء، استکبار، توسل به غیر مربی، اهل عقاب، اصحاب النار، اهل کید، جاحد (به معاد، آیات، عذاب، حجت، حق، کتاب، ادیان)، کفر، معاندت با توحید، مصر به شرک، متجاوز، مسرف، عاصی، عجز نسبت به مربی، عدم احترام به مربی، قاتل مربی، عدم رعایت حق مربی. همچنین ویژگی‌های متربی در بعد گفتاری موافق مربی عبارت‌اند از: منیب و مقابل مربی عبارت‌اند از: اعتراف به گناه، اهل جدال، کاذب.

جدول ۴: نمونه‌هایی از کدگذاری انتخابی و محتواهای تربیتی

p19, p56, p331, p13, p96, p25, p10, p16, p407, p132, p336, p324, p136, p17, p287, p264, p180, p132, p49	نسبت به مربی: کلمه توحید، معاد، کتاب، دین، برهان، حق، سبیل، وعده، ویژگی ملائکه	کتابی	محتوای تربیتی
--	--	-------	---------------

p425, p108 p345, p258	نسبت به متربی: بنفسه: صبر و حیات دنیا؛ <u>بغیر</u> : تسبیح و تبعیت از مربی		
p62, p270, p81p438p428 p334, p330, p322, p438, p418, p69p430 p174, p40, p314, p312) p333, p122, p174, p11	نسبت به مربی: <u>دنیوی</u> : تشویقی: نصرت؛ <u>تنبیهی</u> : هلاکت، خسران، عذاب <u>دنیوی</u> : <u>اخروی</u> : تشویقی؛ جنت، ملحق شدن به کاملان. <u>تنبیهی</u> : جهنم، محرومیت از رحمت مربی، عدم شفیع، هلاکت، عذاب اخروی	واکنشی	
79p, p84, p409, p223, p127, p110, p124, p92, p139	نسبت به متربی: <u>دنیوی</u> : <u>ایجابی</u> : توبه؛ <u>سلبی</u> : عدم برهان معبودان در مقابل برهان. <u>اخروی</u> : <u>ایجابی</u> : خلاصی از عذاب، علم به حقیقت اعمال. <u>سلبی</u> : یأس		

در قسمت محتوا هر کدام از این عناوین با دو رویکرد نسبت به مربی و متربی بررسی گردید. به‌عنوان نمونه، کنش‌های محتوایی مربی، ارائه برهان است که علامه ذیل فراز «لَا جَزْمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ...» (غافر: ۴۳) به این نکته اشاره کرده، می‌فرماید: «و مفاد آیه این است که می‌خواهد حجت اقامه کند بر اینکه آنچه شما مرا به سویش می‌خوانید، اله نیست و این حجت را از این راه اقامه می‌کند که خدایان شما دعوتی ندارند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷/۳۳۳)

واکنش دنیوی متربی نسبت به چنین محتوایی این است که نتوانسته است هیچ برهانی از معبودان خود در مقابل آن ارائه دهد. علامه ذیل فراز «هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ...» (غافر: ۱۳) می‌گوید: «این جمله مشتمل است بر یک برهان؛ به این بیان که اگر در واقع معبودی بوده باشد که پرستش او بر انسان واجب باشد و نیز در پرستش او کمال و سعادت آدمی تأمین شود، تمامیت و کمال تدبیر او اقتضا می‌کند که انسان‌ها را به‌سوی خود هدایت کند، و آن معبودی که آیات هستی بر ربوبیت و الوهیت او دلالت می‌کند و انبیا و رسولان هم با دعوت خود و معجزاتشان آن آیات را تأیید می‌کنند، «خدای» سبحان است. و اما آلهه مشرکین که مشرکین آنها را به‌جای خدا می‌پرستند و می‌خوانند، هیچ آیات و دلیلی از ناحیه آنها نیست که بر الوهیت آنها دلالت کند. پس همان «خدای» سبحان معبودی است یگانه و بی‌شریک.» (همان، ۳۱۶) از کلام علامه



استفاده می‌شود که در این آیه از یک قیاس استثنایی استفاده شده است تا ثابت کند برهان نداشتن معبودان دروغین و متعبدان ایشان، ردی بر ادعای متریبان است.

همچنین نمونه‌ای از محتوای تربیتی کنشی پیشنهاد شده به متربی از منظر علامه در این سوره «صبر» است که ذیل فراز «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (غافر: ۷۷)، علامه اشاره فرموده‌اند که خدای تعالی در این فراز به پیامبرشان امر به صبر نموده‌اند که در واقع در برابر خداوند متعال، متربی است.

واکنش مری نیز به این کنش «صبر» که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیشنهاد شده، «نصرت» و یاری رساندن به متربی است. علامه ذیل فراز «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْضُصْ عَلَيْكَ» (غافر: ۷۸)، این آیه را بیانگر کیفیت نصرت الهی می‌داند. (همان، ۳۵۳)

جدول ۵: نمونه‌هایی از کدگذاری انتخابی و روش‌های تربیتی

p426, p341, p61, p64, p85, p271, p157, p205	تبشیر	مستقیم	روش تربیتی
p280, p321, p235, p241, p168, p240, p243, p22, p148, p46, p401, p190, p192, p111, p123, p125, p128, p129, p400, p447, p149, p176, p225, p298, p167, p193, p359, p368, p269, p339, p304	تندیز: هشدار، تهدید، توبیخ، تنبیه		
p134, p88, p175, p131, p188, p289, p165, p335, p34	استفاده از قواعد غیرادبی: بیان علت حکم، اسقاط موانع تربیتی، اطلاق، تدبیر جزئیات، پرسش و پاسخ، تقابل	غیر مستقیم	روش تربیتی
p415, p313, p347, p375, p246, p448, p412, p33, p396, p173, p279, p42, p224, p408, p374, p215, p433, p194, p377	استفاده از قواعد نقلی: بیان وجه شبیه، تشبیه کردن، کنایه آوردن، مثال آوردن، بدل آوردن، استفهام (انکاری و توبیخی)		

ابزارهای تربیتی با توجه به ابزار مری مادی و معنوی، به روش (با تکیه بر ابزار معنوی)، و وسیله (با استفاده از ابزار مادی) تقسیم می‌شود که روش‌های تربیتی به صورت مستقیم و غیر مستقیم است. روش‌های مستقیم عبارت‌اند از: تبشیر و تندیز (هشدار، تهدید، توبیخ، تنبیه) و روش‌های غیر مستقیم عبارت‌اند از: تعلیل، اسقاط موانع تربیتی، اطلاق، تدبیر جزئیات، پرسش و پاسخ، تقابل و قواعد ادبی (استفاده از علوم

بلاغی (ادبیات)، بیان وجه شبیه، تشبیه کردن، کنایه آوردن، مثال آوردن، بدل آوردن، استفهام (انکاری-توییحی).

جدول ۶: نمونه‌هایی از کدگذاری وسیله تربیتی

<p>p277, p259, p415, p313, p375, p215, p433, p194, p377, p173, p279, p189 p28, p299, p138, p231, p343, p344, p74, p146, p290</p>	<p><u>بینشی</u>: ارائه طریق، استشهاد آوردن، استفاده از قواعد ادبی، تعیین و تفصیل متربی، جدال احسن، برهان آوردن، عبرت گرفتن، مساوات جزا و عمل، تعیین مصداق</p>	<p>وسيله تربيتي</p>
<p>p357, p301, p134, p340, p37, p256, p78, p197, p363, p135, p288, p261, p205, p356, p438, p268</p>	<p><u>کنشی</u>: تأیید کردن، عذاب اخروی، اعتراف گرفتن، تنبیه کردن، پناه بردن، دعوت کردن، لطف کردن، مربی فرستادن، معجزه دادن، یاری رساندن</p>	
<p>p307, p187, p284, p362, p7, p369, p411, p161, p53, p63, p70, p360, p430, p58, p44, p185, p115, p310, p319, p112, p424, p157, p142, p170, p31, p347, p413, p335, p165, p134, p131, p175, p34, p88, p188, p289, p415, p313, p347, p375, p246, p448, p412, p33, p396, p173, p279, p42, p224, p408, p374, p215, p433, p194, p377</p>	<p><u>گوشی</u>: <u>مستقیم</u>: تأکید کردن، مؤاخذه کردن، موعظه کردن، اظهار تعجب، تذکر دادن، امر کردن، تشویق کردن، تکرار کردن، تهدید کردن، نهی کردن، توجه ادبی، ارجاع (به عین عبارت اول)؛ <u>غیر مستقیم</u>: استفاده از علوم غیرادبی: تعلیل، اسقاط موانع تربیتی، اطلاق تدبیر، جزئیات پرسش و پاسخ، تقابل؛ استفاده از علوم ادبی: استفاده از علوم بلاغی (ادبیات)، بیان وجه شبیه، تشبیه کردن، کنایه آوردن، مثال آوردن، بدل آوردن، استفهام (انکاری و توییحی)</p>	

وسيله تربيتي با توجه به محتوای تربیتی در سه بُعد بینشی، کنشی و گوششی قابل بررسی است. بُعد بینشی آن شامل ارائه طریق، استشهاد آوردن، استفاده از قواعد ادبی، تعیین و تفصیل متربی، جدال احسن، برهان آوردن، عبرت گرفتن، مساوات جزا و عمل و تعیین مصداق می‌باشد. بعد کنشی به موارد تأکید کردن، عذاب اخروی، اعتراف گرفتن، تنبیه کردن، پناه بردن، دعوت کردن، لطف کردن، مربی فرستادن، معجزه دادن و یاری رساندن می‌پردازد. و در بعد گوششی که به دو قسم مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شود، بعد غیر مستقیم آن عبارت است از: تعلیل، اسقاط موانع تربیتی، اطلاق، تدبیر جزئیات، پرسش و پاسخ، تقابل، استفاده از قواعد ادبی که شامل موارد استفاده از علوم



بلاغی مانند ادبیات، بیان وجه شبه، تشبیه کردن، کنایه آوردن، مثال آوردن، بدل آوردن و استفهام اعم از انکاری و توییخی می‌گردد.

جدول ۷: نمونه‌هایی از کدگذاری زمینه‌های تربیتی

زمینه تربیت	از مربی	اداب درخواست	شروع با مقدمه برای بیان حاجت، ذکر ویژگی مربی پیش از درخواست	p97, p73, p77, p76
	تربیتی	مقدمه آوردن برای محتوای	سریع الحسابی مربی برای جزا دادن، تقدم حیات آخرت بر دنیا برای بیان سبیل رشد، تقیید پذیرش عامل تربیتی مقدمه عامل تربیتی، تعلیل به عنوان مقدمه، آوردن غیر مقصود به عنوان مقدمه، بیان سبب نجات از دشمن متربی مقدمه مانع تربیتی، زایل شدن شک مقدمه حصول یقین، اعتراف مقدمه حصول یقین، خوف و رجا، بیان ویژگی‌های منفی متربی مقدمه سقوط متربی، سکونت مقدمه رشد متربی، بیان ویژگی متربی مقدمه آگاه‌سازی متربی	p171, p266, p274, p306, p445, p282, p101, p105, p15, p94, p366, p390

زمینه‌های تربیتی در دو قسم آداب درخواست از مربی، از جمله شروع با مقدمه برای بیان حاجت و ذکر ویژگی مربی پیش از درخواست است. و دیگری، مقدمه آوردن است که شامل سریع الحساب بودن مربی برای جزا دادن، تقدم حیات آخرت بر دنیا برای بیان سبیل رشد، تقیید پذیرش عامل تربیتی مقدمه عامل تربیتی، تعلیل به عنوان مقدمه، آوردن غیر مقصود به عنوان مقدمه، بیان سبب نجات از دشمن متربی مقدمه مانع تربیتی، زایل شدن شک مقدمه حصول یقین، اعتراف مقدمه حصول یقین، خوف و رجا، بیان ویژگی‌های منفی متربی مقدمه سقوط متربی، سکونت مقدمه رشد متربی، و بیان ویژگی متربی مقدمه آگاه‌سازی متربی است.

جدول ۸: نمونه‌هایی از کدگذاری انتخابی قاعده‌های تربیتی

قواعد تربیتی	نسبت به مربی	حاکم بودن دستور مربی، قطعی بودن وعده مربی	p320, p328
	نسبت به امر تربیت	دعوت به سبب به جای مسبب، تطابق دعوت و داعی، وصف مانع مشعر به علیت، ارتباط بین تسمیه و اثر تربیتی	p283, p239, p292, p327

قاعده‌های تربیتی نسبت به مربی و امر تربیت تقسیم می‌شود که قواعد نسبت به مربی عبارت‌اند از: حاکم بودن دستور مربی، قطعی بودن وعده مربی، و نسبت به امر تربیت عبارت‌اند از: دعوت به سبب به‌جای مسبب، تطابق دعوت و داعی، وصف مانع مشعر به علیت، ارتباط بین تسمیه و اثر تربیتی.

جدول ۹: نمونه‌هایی از کدگذاری مبناهای تربیتی

p226, p208, p291, p431, p425, p198, p196, p273, p436, p457, p55, p217, p437, p263, p267, p456, p272, p268, p236, p75, p20, p381, p388	وحدت حال مربی و متربی، استفاده از اشتراکات مربی و متربی، نشأت گرفتن تربیت از کمال مربی، قضاوت میان رسول و امت، صبوری مربی، شکست کید دشمن، ریشه‌یابی موانع تربیتی با بیان شخیصه‌های منفی، رعایت مساوات حقانیت عذاب خدا، اتمام تربیت بعد از اتمام حجت، تطابق ویژگی‌های مربی و نوع درخواست	مبناهای تربیتی
p265, p372, p219, p427, p204, p206	استفاده از قیاس، تعلیل به روش سبر و تقسیم، بیان تعلیل امر مربی، مقابله به‌مثل	روش‌ها

مبناهای تربیتی در دو محور سنت و برهان بیان شده است که سنت‌های تربیتی عبارت‌اند از: وحدت حال مربی و متربی، استفاده از اشتراکات مربی و متربی، نشأت گرفتن تربیت از کمال مربی، قضاوت میان رسول و امت، صبوری مربی، شکست کید دشمن، ریشه‌یابی موانع تربیتی با بیان شخیصه‌های منفی، رعایت مساوات، حقانیت عذاب خدا، اتمام تربیت بعد از اتمام حجت، تطابق ویژگی‌های مربی و نوع درخواست، تسهیل مخاصمه مربی و متربی، پیوستگی ظهور حق و نابودی باطل، ارتباط میان عمل و معادباوری، دنیا دار عمل آخرت دار جزا، پیوند اختیار عمل و جزا، ارتباط مستقیم جزا و عمل، شایستگی ثنا به‌خاطر ربوبیت. و برهان‌های تربیتی نیز عبارت‌اند از: استفاده از قیاس، تعلیل به روش سبر و تقسیم، بیان تعلیل امر مربی و مقابله به‌مثل.

جدول ۱۰: نمونه‌هایی از کدگذاری انتخابی موانع تربیتی

P281, p276, p414, p195, p420, p248	اجتماعی: وسوسه (دعوت به نار دعوت به شرک)، فریب (حق‌انگاری باطل، احیای باطل، ازهاق حق، اعراض حق)	موانع تربیتی
P89, p325, p202, p349, p158	فردی: کفر، کبر، غفلت	موانع تربیتی
P253, p248, p420, p195, p421, p95	گناه: سد سبیل رشد، اتباع هوای نفس، فساد، لذت آنی گناه، اسراف	موانع تربیتی
P237, p252, p45, p446, p248, p300, p218, p316	اعراض از مربی: تکذیب مربی، شک به مربی، بی‌اعتنایی به مربی، اتخاذ مربی‌نماها	موانع تربیتی

p458,p326,p423 p397 p152p107p39 p11 p293 p308	سلبی: شناختی (گمراهی، بی اثر شدن دعا)-رفتاری (حسبران) ایجابی: شناختی (درک حقایق، آگاه سازی متری، تمییز) سعید از شقی منهدی از ضال) — رفتاری (رعایت حدود عبودیت، پیروی از راه مری، صیانت (از شر و مکر))	نتایج	مقفود (لامحقق - محقق)	آثار تربیتی
p23, p11 p423p421 p169 p104p14p109 p97 p100 p179p159p133 p166 P133p141p133 p116 p162 p140 p393 p48 p293 p260 p257p137p11	سلبی: کثیر (عذاب، عقوبت، ورود در جهنم) ایجابی: شناختی (عدالت باوری، معادباوری، رسیدن به یقین، موجد به لوهیت، به مالکیت، به ربوبیت، انزجار از شرک) عملی (نسبت به مری: ظهور ملکیت) نسبت به متری: (دستیابی به حق، دستیابی به سعادت، دستیابی به هدایت، دستیابی به کمال، دستیابی به احلاص، اعتراف	اهداف	مقفود	آثار تربیتی
p60,p348	نسبت به مری: (دلگرمی مری)-نسبت به متری: (زیاد شدن عطفوت)	فایده	لامحقق	آثار تربیتی

جدول ۱۱: نمونه هایی از کدگذاری آثار تربیتی

عواملی که از محقق شدن اهداف تربیتی ممانعت می کنند و در این پژوهش با عنوان «موانع تربیتی» ذکر شده اند، به دو دسته «بیرونی» و «درونی» تقسیم می گردند. موانع درونی یا «اجتماعی» هستند؛ مانند وسوسه که انسان را در واقع به نار و شرک دعوت می کند، و فریب که موجب حق انگاری باطل، احیای باطل، ازهاق حق و اعراض از حق در جامعه می گردد. و یا «فردی» می باشند؛ مانند کفر، کبر و غفلت که از درون فرد، از مترتب شدن آثار تربیتی ممانعت می کند. موانع بیرونی که در این تفسیر به دست آمده اند، به سه دسته کلی گناه، اعراض از مری و سفسطه تقسیم می گردد. گناهان مانع تربیت عبارت اند از: سد سبیل رشد، اتباع هوای نفس، فساد، لذت آنی گناه و اسراف؛ و عواملی که موجب اعراض از مری، تکذیب مری، شک به مری، بی اعتنایی به مری و اتخاذ مری نماها و گاهی سفسطه گری هایی چون انکار، جدال، توجیه و تعلیل از تحقق اهداف تربیتی ممانعت می کنند.

گاهی برنامه ای تربیتی آثاری در پی دارد که هنوز محقق نشده است. این آثار محقق نشده ممکن است سلبی باشد و هدف مری، دور ماندن مرتبی از این پیامدها باشد؛ مانند کیفر شدن به عذاب، عقوبت و ورود در جهنم. یا اینکه ممکن است ایجابی بوده و مری در پی تحقق این اهداف باشد؛ هرچند هنوز مترتب نشده است. اهداف ایجابی مرتبی در پی ایجاد تغییر یا تقویت شناخت و باورهای مرتبی است. باورهای توحیدی مانند لوهیت، مالکیت و ربوبیت الله و انزجار از شرک، و یا ایجاد یقین در مرتبی و نیز

عدالت‌باوری و معادباوری. یا اینکه متربی به دنبال اهداف عملی است که زمانی که نسبت به مربی سنجیده می‌شود، می‌توان ظهور ملکیت را در این سوره نام برد، اما در مقایسه نسبت به متربی باید موارد دستیابی به حق، دستیابی به سعادت، دستیابی به هدایت، دستیابی به اخلاص، دستیابی به کمال، اسلام آوردن و اعتراف و معرفت را ذکر کرد. آخرین آثاری که از برنامه‌های تربیتی این سوره به‌دست می‌آید، مواردی هستند که مقصود اصلی مربی نبوده‌اند، اما با عنوان فایده محقق شده‌اند. یکی از این فایده‌ها نسبت به مربی، «دلگرمی مربی» است. لازم به ذکر است مربی مورد بحث در اینجا با توجه به سوره غافر، نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که با انجام رسالت، موظف به تربیت امت خود بوده‌اند و خدای متعال به ایشان دلگرمی داده‌اند تا در انجام مأموریت خود همچنان مصمم باشند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲۹/۱۷) و فایده دیگر نسبت به متربی، افزایش عطوفت می‌باشد.

۸. ترسیم الگو و مدل‌های تربیتی

این مرحله به تحلیل مضمون و محتوا و نیز توصیف کمی محتوای بارز یک متن با رویکرد توصیفی و تحلیلی بر آیات در راستای ارائه الگو می‌پردازد؛ به‌طوری که داده‌ها تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی شده و محقق از مجموع این مفاهیم، به چند الگو هدایت می‌شود. با این روش، انبوه داده‌های پراکنده، سازماندهی و خلاصه شده و به داده‌های غنی تبدیل می‌شود. سپس ذهن برای جست‌وجوی هدفمند از منابع جهت می‌یابد تا در متن موشکافی کرده و هر یافته جالب یا تکراری را جمع‌آوری نکند و مضامینی را که همپوشانی دارند، تمایز دهد.

مدل شماره ۱: تأثیر ویژگی‌های مربی و متربی بر روش‌های تربیتی



مدل شماره ۲: بیان مصادیق و ویژگی‌های متربی

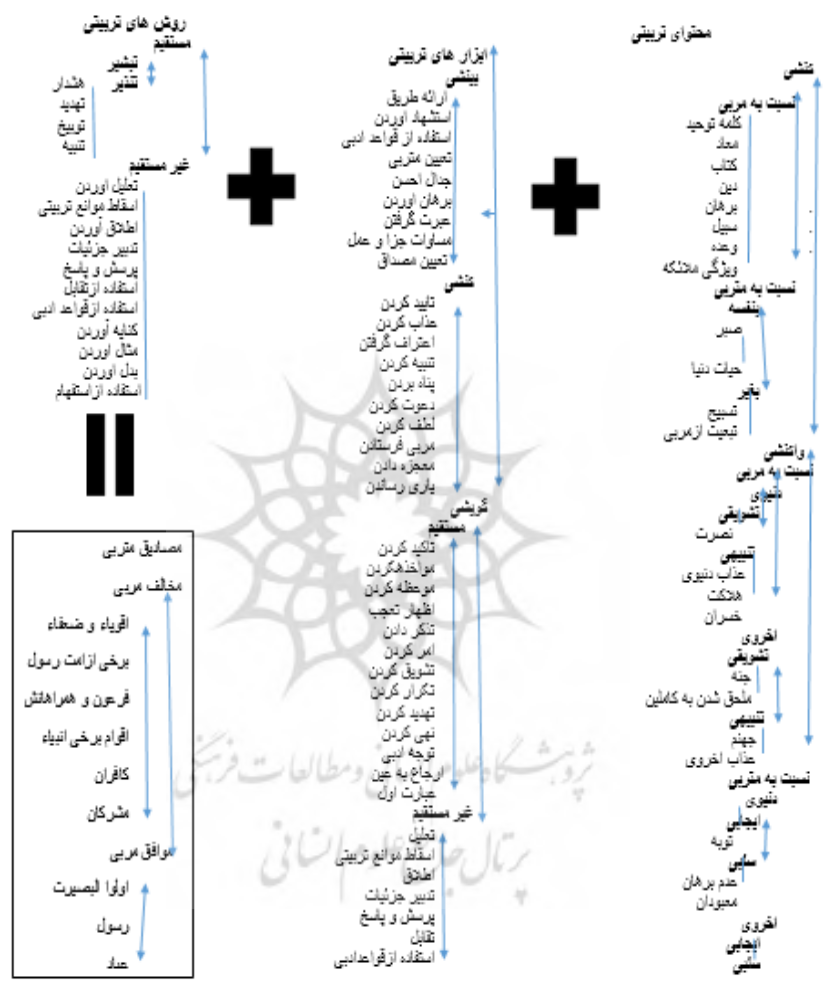


پژوهش‌های فلسفی
رتال جامع علوم انسانی

مدل شماره ۳: اثرگذاری اصول تربیتی اعم از قاعده و مبنای تربیتی بر محتوای تربیتی



مدل شماره ۴: تأثیر محتوا، ابزار و روش‌های تربیتی بر متربی



مدل شماره ۵: تأثیر زمینه‌های تربیتی بر تحقق آثار تربیتی و تأثیر موانع تربیتی بر عدم تحقق آثار تربیتی



مدل شماره ۶: تربیت متأثر از ویژگی‌های مربی و متربی، ابزار، روش و محتوای تربیتی با حذف موانع و اثرگذاری بر هدف و نتیجه و مقصود تربیتی



نتیجه گیری

در این پژوهش از روش داده‌بنیاد به‌عنوان یک راهبرد برای تقلیل و تحلیل داده‌ها استفاده شد، به‌طوری که داده‌ها تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی شده و محقق از مجموع این مفاهیم، به شش الگو در تفسیر میزان با تکیه بر سوره غافر هدایت می‌شود که گاهی مدل‌ها توصیفی است؛ مثل مدل ۲ که توصیف مصادیق و ویژگی‌های متربی است، و گاهی تحلیلی؛ مانند بقیه مدل‌ها. با این نوع تحلیل، همانند سایر تکنیک‌های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمایی عملی می‌شود.

پی‌نوشت

1- Basis, foundation, base: These are all words for the ideas or facts that sth is based on. Oxford Advanced Learners Dictionary, P. 114.

فهرست منابع

۱. آلوانی، سید مهدی؛ دانایی‌فر، حسن؛ عادل آذر (۱۳۸۶)، روش‌شناسی پژوهشی کیفی در مدیریت، رویکرد جامع، تهران: انتشارات صفار.
۲. ابن درید، محمدبن حسن (۱۹۸۸)، جمهرة اللغة، بیروت: دارالعلم للملین.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
۵. باقری، خسرو (۱۳۷۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مدرسه.
۶. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی.
۷. بهشتی، محمد (۱۳۷۸)، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۸. جوهری، اسماعیل‌بن حماد (۱۳۶۸)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، بی‌جا: انتشارات امیری.
۹. حسینی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۲)، سیری اجمالی در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. دانایی‌فر، حسن؛ مؤمنی، نونا (۱۳۸۷)، «تئوری رهبری اثربخشی از دیدگاه امام علی (ع) استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۴، ص ۷۵-۱۱۰.
۱۱. داوودی، محمد (۱۳۸۷)، اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)، قم: دفتر نشر معارف اسلامی.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. دهقان نیری، ناهید؛ جلالی‌نیا، فاطمه (۱۳۸۳)، نظریه‌پردازی و نظریه‌های پرستاری، تهران: نشر بشری.



۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق: دار الشامیه.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الراغب الاصفهانی، ریاض، مدار الوطن للنشر.
۱۷. زبیدی، محمد مرتضی (بی تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا: بی نا.
۱۸. شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۹)، مبانی و روش های تفسیری، قم: نشر جامعه المصطفی.
۱۹. شعبانی، حسن (۱۳۸۵)، مهارت های آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۰)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۱. صاحب بن عباد (بی تا)، المحيط فی اللغة، بی جا: بی نا.
۲۲. صعیدی، عبدالفتاح (۱۴۱۰)، الإفصاح فی فقه اللغة، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تهران: مرتضوی.
۲۵. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر اشجع.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۲۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، القاموس المحيط، بی جا: بی نا.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۲۵ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دارالهجرة.
۲۹. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۰. کرپیندورف، کلوس (۱۳۷۸)، تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نایب، تهران: انتشارات روش.
۳۱. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۲. منصوریان، یزدان (۱۳۸۶)، گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد، ویژه نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۳۳. نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین، قم: انتشارات سمت.
۳۴. هومن، علی حیدر (۱۳۸۶)، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، تهران: انتشارات سمت.
35. Axford Advanced Learner's Dictionary of current English, seven edition, AS Hornby, Oxford University press, 2005.